

## Typology of Qur'an "Addressees" and their Role in Understanding the Meaning of the Verses

Mohammad Reza Shahroodi\*, Mohammad Taghi Kebritchi\*\*

### Abstract

Different verses of the Holy Quran, have been revealed in the occasions of revelation (asbāb al-nuzūl); and each portion for specific "addressees"; Therefore, it is necessary to discover the meaning of the verses based on their occasions of revelation and considering different types of audiences. This important point will show how the addressees of the Quran communicate and benefit from the revelations. For this purpose, the present article studies the mechanism of addressing and signification in the Quran, using the approach of "applied semantics" and "linguistic signification". Therefore, to understand a portion of revelation, it is worth considering factors such as the "speaker" and the "orator" of the Quran, and its "audiences"; also observing the role of "specific" and "general" addressees. The present article shows that: 1. the verses of the Quran have different levels of meaning and, 2. the audiences of it include different types; In other words, each portion of the Quran has been created based on the understanding of its audiences. Therefore, not everyone except the true scholars of the Quran can comprehend the exact meaning of all the verses of the Quran. Finally, it proves the necessity of referring to the "scholars of the Quran", that are the Holy Prophet (PBUH) and the Ahl al-Bayt (PBUT), for the specific and general audiences of the Quran.

**Keywords:** addressing in the Quran, signification in the Quran, specific addressees, general addressees, levels of meaning, applied semantics

\* Associate Professor, Faculty of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, mhshahroodi@ut.ac.ir

\*\* PhD in Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, (Corresponding Author),  
mt.kebritchi@ut.ac.ir

Date received: 2022/08/25, Date of acceptance: 2022/12/17



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## گونه‌شناسی «مخاطبان» قرآن و نقش آنان در فهم معنای آیات

محمد رضا شاهرودی\*

محمد تقی کبریت‌چی\*\*

### چکیده

هر دسته از آیات قرآن، به دنبال اسباب نزول خود و برای مخاطبان خاصی نازل شده است؛ از این رو لازم است کشف دلالت آیات بر معانی آن، براساس فضای نزول و خطاب، و در نظر گرفتن گونه‌های مختلف مخاطبان انجام پذیرد. این مهم نحوه‌ی ارتباط و بهره‌مندی مخاطبان قرآن را از کلام وحی نشان خواهد داد. برای این منظور، مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از آموزه‌های «معناشناسی کاربردی» و رویکرد «دلالت زبانی» سازوکار خطاب و دلالت را در قرآن مجید مطالعه می‌کند. بدین سان، در راستای فهم یک بسته‌ی وحیانی و خطاب قرآنی، گذشته از «آیات قرآن» و «فضای خطاب»، شایسته است اسبابی چون: «متکلم»، «خطیب» و «مخاطبان» آیات را نیز در فضای نزول در نظر گرفت و به بررسی نقش مخاطبان «خاص» و «عام» در درک معنای آیات پرداخت. این نوشتار نشان می‌دهد: هم آیات قرآن دارای مراتب و سطوح معنایی است و هم مخاطبان قرآن گونه‌های مختلف را شامل می‌شود؛ به‌دیگر سخن آیات گوناگون قرآن، هر یک درخور فهم دسته‌ای از مخاطبان خود نازل شده است؛ لذا همگان جز عالمان راستین قرآن، قادر به ادراک معنای مشخص تمام آیات قرآن نیستند. سرانجام از این رهگذر لزوم رجوع به «عالمان قرآن»، یعنی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام، برای مخاطبان خاص و عام قرآن نیز اثبات می‌گردد.

\* دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، [mhshahroodi@ut.ac.ir](mailto:mhshahroodi@ut.ac.ir)

\*\* دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، [mt.kebritchi@ut.ac.ir](mailto:mt.kebritchi@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

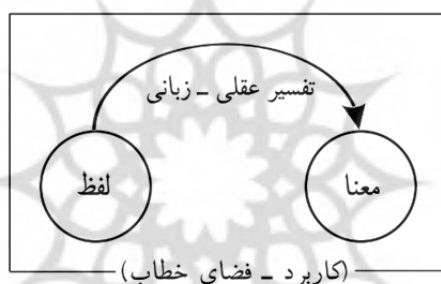
**کلیدواژه‌ها:** خطاب در قرآن، دلالت در قرآن، مخاطبان خاص، مخاطبان عام، مراتب معنا، معناشناسی کاربردی

## ۱. مقدمه

زبان قرآن و سازوکار دلالت آیات بر معانی، از مباحث کهن و پردامنه در فهم و تفسیر قرآن کریم است؛ آن‌سان‌که از دیرباز نظریه‌های مختلفی در این باره ارائه شده است. به‌طور کلی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان را درباره‌ی زبان قرآن می‌توان در عناوین: عرف عام، زبان نمادین، عرف خاص و زبان فراعرفی خلاصه کرد (فقهی‌زاده، ۱۳۹۱ش، صص ۲۲-۲۹) و سازوکار دلالت در قرآن را در نظریه‌هایی چون: ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی جست‌وجو نمود. بی‌شک اما قرآن از سنخ «کلام» است، و کلام لفظی از سوی متکلم حکیم بوده تا مخاطب/مخاطبان خود را بر معنای موردنظرش دلالت کند. این نکته‌ی ساده اما مهم، به فهم‌پذیری قرآن منتج می‌شود و نشان می‌دهد قرآن کریم دارای تمام ویژگی‌های زبان متعارف طبیعی است. از سوی دیگر، انتساب قرآن به خداوند، یعنی کلام‌الله‌بودن آن، ویژگی‌های خاص و منحصر به‌فردی را برای قرآن به ارمغان آورده که زبان متعارف میان انسانها از آن برخوردار نیست؛ از آن جمله می‌توان به: وجوه اعجاز، بطون معنایی و تأویل‌های بی‌پایان قرآن اشاره کرد که از خصوصیات انحصاری کلام‌الله مجید نسبت به کلام بشر است؛ البته این ویژگی‌های افزوده، نافی کلام‌بودن قرآن کریم نخواهد بود. کوتاه‌سخن اینکه: قرآن کلامی در ساختار زبان متعارف عربی بوده و همچنین دارای ویژگی‌هایی خاص و افزوده است که آن را از دیگر کلام‌ها متمایز می‌سازد اما این خصوصیات افزوده‌ی کلام‌الله، آن را از ساختار زبان متعارف خارج نمی‌کند.

متعارف‌بودن زبان قرآن سازوکار «دلالت زبانی» را در آن برقرار می‌سازد. بررسی‌های معناشناختی نوین، نشان می‌دهد سازوکار دلالت در زبان طبیعی (دلالت زبان‌شناختی) با نحوه‌ی دلالت در زبان‌های صوری (دلالت منطقی) متفاوت است؛ لذا مباحث دلالت که به‌طور مرسوم در منطق صوری مطرح می‌شود، به‌درستی نمی‌تواند از عهده‌ی مسائل فهم و تفسیر قرآن کریم برآید. در واقع، دلالت در زبان‌های صوری تنها متکی بر «بافت زبانی» اما دلالت در زبان طبیعی مبتنی بر «بافت زبانی» و «بافت غیرزبانی» است. بافت زبانی: همان سیاق متن است که به‌طور سنتی مورد بررسی معنایی قرار می‌گیرد اما بافت غیرزبانی: بستر و موقعیتی خارج از زبان بوده که کلام در آن واقع می‌شود.<sup>۱</sup> برخی پژوهش‌های معناشناختی اخیر نیز به اهمیت سیاق مقامی و حالی در تفسیر قرآن اشاره داشته است (نک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۳ش، ص ۳۴۳)؛ بدین ترتیب که

خداوند حکیم الفاظ و نشانه‌های زبانی قرآن را در موقعیت‌ها و کاربردهای گوناگون، برای «مخاطبان» مختلف فراهم آورده است تا آنان را بر معنای موردنظر دلالت نماید؛ در نتیجه، «دلالت» آیات در بستر «فضای خطاب» انجام می‌گیرد (که پیشینیان از آن با عنوان اسباب نزول یا شأن نزول یاد کرده‌اند) و دانستن آن از لوازم فهم آیات است. «کاربرد» یا فضای خطاب: زمینه‌ای است که کلام در آن شکل می‌گیرد و دلالت لفظ بر معنا در آن فضا انجام می‌شود. مخاطبان نیز از سوی دیگر، آیات و نشانه‌های زبانی را در همان کاربرد (فضای خطاب یا نزول) «تفسیر» می‌کنند، تا جهت دلالت لفظ را کشف کرده، به معنا راه یابند. سرانجام، منظور از تفسیر<sup>۳</sup>: فعالیت عقلی و زبانی مخاطب، برای کشف معنای کلام است (شکل ۱). در این صورت فرایند «دلالت زبانی» و کشف معنا برای مخاطبان قرآن، با اتکال بر فضای خطاب امکان‌پذیر می‌شود (نک: کبریت‌چی و شاهرودی، ۱۴۰۰ش، صص ۱۳۴-۱۳۶).



شکل ۱. دلالت زبان‌شناختی در قرآن کریم

## ۲. بیان مسئله

نزول تدریجی قرآن در مواقع و کاربردهای گوناگون (و به تعبیر پیشینیان: اسباب نزول) و در خطاب به افراد مختلف بوده است؛ لذا توان عقلی و زبانی و استعدادهای مختلف «مخاطبان» در تفسیر و فهم معنای آیات تأثیرگذار خواهد بود. آن‌سان‌که برخی روایات نیز به چنین تفاوت‌هایی میان مراتب معنایی آیات و اختلاف در استعداد مخاطبان اشاره کرده‌اند (نک: فلاحی قمی، ۱۳۹۰ش، صص ۴۷-۴۸ و صص ۵۳-۵۴). بر این اساس همگان قادر به تفسیر و فهم معنای آیات نیستند و به‌دیگرسخن هرکس به اندازه‌ی استعداد عقل و معرفت خویش از اقیانوس بی‌کران علوم و معارف قرآن بهره می‌برد؛ در این صورت معنای آیات رفیع و بلندمرتبه در دسترس بسیاری از افراد نخواهد بود. همچنین، معنای بسیاری از آیات که در زمان

نزول، روشن و آشکار بوده است، اکنون به دلیل غیاب فضای خطاب و نزول، غیرواضح و نامشخص می‌نماید؛ حال آنکه قرآن خطاب به عموم مردمان و برای هدایت و راهنمایی همگان نازل شده است پس می‌بایست صریح و روشن، تمام انسان‌ها را بر معانی خود دلالت کند. از این رو بسیاری، مخاطبان قرآن را «عام» معرفی می‌کنند (مانند: داغر و امین ناجی، ۱۳۹۹ش) و آنان را محدود به افراد عصر نزول نمی‌دانند. بر این اساس، شناخت و دسته‌بندی مخاطبان قرآن، معرفی مراتب معنایی آیات و راه کشف آن حائز اهمیت می‌شود.

باری، رویکرد نوین «دلالت زبانی» به قرآن و شناخت مخاطبان مختلف آن می‌تواند گره‌گشای چنین مشکلی در حوزه‌ی فهم و تفسیر کلام‌الله مجید باشد و راه فهم مراتب معنایی آیات را بر روی جویندگان معارف قرآن بگشاید. بر این اساس، مقاله‌ی حاضر قصد دارد با بهره‌گیری از مبانی «معناشناسی کاربردی»<sup>۳</sup> و «دلالت زبانی»<sup>۴</sup> به تبیین ویژگی‌های «خطاب» در قرآن کریم پردازد و با گونه‌شناسی «مخاطبان» کلام‌الله مجید در فضای نزول و خطاب، نقش آنان را در فهم و تفسیر آیات آشکار سازد. برای نیل به این مهم، نوشتار حاضر در تلاش برای یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های ذیل است:

الف- چگونه مخاطبان قرآن کریم بر مراتب مختلف معانی آیات دلالت می‌یابند؟

ب- آیات مختلف قرآن مجید، خطاب به چه افرادی است (مخاطبان خاص یا عام)؟

ج- باتوجه به مخاطبان گوناگون قرآن، فهم نوین از حدیث مشهور «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ» چه می‌باشد؟

### ۳. سازوکار خطاب و دلالت در کلام‌الله مجید

در ابتدا شایسته‌ی ذکر است که قرآن مجید خود را کلام‌الله، یعنی «کلام» و سخن منسوب به خدا معرفی می‌کند: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ...» (التوبة/ ۶)<sup>۵</sup> و «... وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»<sup>۶</sup> (النساء/ ۱۲۲). همچنین تأکید بر «کلام» و «قول» بودن قرآن، در سخن امامان علیهم‌السلام نیز نمودار است: «سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي الْقُرْآنِ؟ فَقَالَ هُوَ كَلَامُ اللَّهِ وَ قَوْلُ اللَّهِ وَ كِتَابُ اللَّهِ وَ وَحْيُ اللَّهِ وَ تَنْزِيلُهُ ...»<sup>۷</sup> (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۴).<sup>۸</sup> در واقع، عرب‌زبانان هنگام مواجهه با قرآن کریم، کلام بودن آن را به‌بدهت عقلی ادراک می‌کردند؛ از این رو دعوی مشرکان و ملحدان نبوت، در «الهی» بودن این کلام بوده است؛ نه در اصل کلام بودن آن. کافران نبوت، قرآن را کلامی برساخته از سوی بشر

گونه‌شناسی «مخاطبان» قرآن ... (محمدرضا شاهرودی و محمدتقی کبریت‌چی) ۱۰۷

معرفی می‌کردند و در انتساب آن به خداوند شک و شبهه می‌افکندند: «إِنَّ هَذَا إِلاَّ قَوْلُ الْبَشَرِ»<sup>۹</sup> (المدرثر/ ۲۵) اما ادعای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز خود قرآن، همواره بر این بوده است که کلام الله مجید، کلام و قول منسوب به پروردگار بوده و از سوی او تبارک‌وتعالی در ساختار زبان عربی نازل شده است.

در ادامه باید افزود، قرآن کلامی است که در سازوکار زبان متعارف بر معنا دلالت می‌کند. این مهم، تمام ویژگی‌های زبان طبیعی را برای کلام الله مجید اثبات می‌کند. به‌دیگر سخن، خداوند خواسته است آنگونه که اهل زبان در فضای متعارف زبانی سخن می‌گویند و یکدیگر را بر معانی دلالت می‌دهند، وحی قرآن را پدید آورد و در نظام معمول زبان عربی، آنان را بر معارف و حقایق خلقت رهنمون سازد. پس آن‌طور که «کلام» در عرف زبان و لغت برای تفهیم و تفاهم «معنا» برای «مخاطبان» است (البته لزوماً به‌دور از سختی و پیچ‌وتاب) انتظار می‌رود قرآن نیز به‌مثابه‌ی کلام، دارای چنین خصوصیتی باشد و مخاطبان خود را در نظام دلالت زبانی (شکل ۱)، به‌طور صریح و روشن بر معنا دلالت نماید.

درضمن، آیات قرآن از لسان مبارک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، در اسباب و زمینه‌های گوناگون نازل شده و مخاطبان خاص خود را بر معانی مختلف رهنمون ساخته است. نزول تدریجی آیات، به‌مثابه‌ی «کلام»، در دوران رسالت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره در «فضای خطاب» و یا اسباب نزول بوده است. گویا بعضی روایات از فضای خطاب آیات باعنوان: «استحقاق خطاب» یاد می‌کند: «عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَ كَانَ لَأُيَلَّغُهُ إِلاَّ فِي وَقتِ اسْتِحْقَاقِ الْخِطَابِ ...»<sup>۱۰</sup> (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۳۸، به‌نقل از کتاب الغیبه). این مهم، وحی قرآنی را از وحی موسوی علیه‌السلام که به‌صورت کتابت در الواح بوده است، متمایز می‌سازد (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۸).<sup>۱۱</sup> نزول متفرق و تنجیمی (یا بخش‌بخش) آیات، در کتاب و سنت باعنوان «فرقانیت» قرآن یاد شده است (نک: میرزای اصفهانی، ۱۴۳۸ق، صص ۸۶-۸۸)؛ به‌طوری‌که آیه‌ی «وَقُرْأْنَا فَرْقَانَهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»<sup>۱۲</sup> (الإسراء/ ۱۰۶) به «تنزیل» و نزول تدریجی قرآن اشاره دارد و روایت

... قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ مِنْ رُؤَسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ... فَأَخْبَرَنِي هَلْ أَنْزَلَ عَلَيْكَ كِتَابًا؟ قَالَ (رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله): نَعَمْ. قَالَ وَ أَيْ كِتَابٌ هُوَ؟ قَالَ الْفَرْقَانُ. قَالَ وَ لِمَ سَمَّاهُ فَرْقَانًا؟ قَالَ لِأَنَّهُ مُتَفَرِّقُ الْآيَاتِ وَ السُّورِ أَنْزَلَ فِي غَيْرِ اللَّوَاخِ وَ غَيْرِ الصُّحُفِ وَ التَّورَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ أَنْزَلَ كُلُّهَا جَمَلًا فِي اللَّوَاخِ وَ الْأُورَاقِ ...<sup>۱۳</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۳۳۷، به‌نقل از اختصاص)

نیز ویژگی متفرد بودن آیات قرآن را نشان می‌دهد. روایت اخیر که بیان‌گر گفتگویی میان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و برخی بزرگان یهود است، به تفاوتی مهم میان قرآن و کتاب‌های آسمانی پیشین اشاره دارد؛ تورات، انجیل و زبور جملگی در الواح و اوراق به‌طور مکتوب نازل شده‌اند اما قرآن مجید، کلام استواری است که به‌صورت آیه‌ها و سوره‌های متفرد به‌دنبال اسباب نزول و مناسبت‌های مختلف، به‌تدریج نازل شده است. این تفاوت میان نزول قرآن و دیگر کتب آسمانی، در تفسیر و فهم قرآن کریم تأثیری به‌سزا دارد.

باری، نزول تدریجی و متفرد آیات قرآن به‌صورت «کلام» در فضا و کاربردهای گوناگون، نیز خطاب آیات از سوی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به مخاطبان مختلف، همچنین سازوکار «دلالت زبانی» در آن، ویژگی‌های مهمی را در فهم و تفسیر قرآن کریم به‌دنبال دارد؛ بدین‌صورت که در یک وحی و خطاب قرآنی، غیر از «آیات قرآن» و «متکلم قرآن»، می‌توان «خطیب قرآن»، «مخاطبان قرآن» و «فضای خطاب» را در نظر گرفت.<sup>۱۴</sup> ادامه‌ی این نوشتار در تلاش برای بیان برخی از این ویژگی‌هاست.<sup>۱۵</sup>

**الف - متکلم قرآن:** مراد از متکلم قرآن، خدای متعال است که کلامی را به‌صورت وحی پدید آورده و آن را به خود منسوب ساخته است.<sup>۱۶</sup> خداوند فرستنده‌ی پیام وحی است و عبارت «کلام الله»، به‌مانند «بیت الله»، نشان‌دهنده انتساب یک شیء به پروردگار می‌باشد. درواقع، خداوند قرآن مجید را پدید آورده و آن را به‌صورت کلام، به زبان عربی مبین و به لسان مقدس حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در میان امت ایشان فرو فرستاده است: «فَأَنزَلْنَا يُسْرًا لِّبَلْسَانِكَ لَتُنَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُذَرَّ بِهِ قَوْمًا لُدًّا» (مریم/ ۹۷) و «... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... وَ بِلِسَانِي نَزَلَ الْقُرْآنُ بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ»<sup>۱۷</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۵۶، به‌نقل از معانی الاخبار). خاطر نشان می‌شود که مفهوم «انزال و تنزیل» را هرگز نمی‌توان هنگام سخن گفتن دو انسان با یکدیگر به کار برد؛<sup>۱۸</sup> از این رو تکلم قرآنی و نزول وحی از سوی پروردگار به‌مانند نجوای سخن میان دو کس نیست اما حاصل تکلم الهی، کلامی در ساختار زبان بشر و برای دلالت مخاطبان بر معناست.

**ب - خطیب قرآن:** «خطیب» در لغت در معنای «اسم فاعل»، یعنی سخن‌گو و بیان‌کننده‌ی خوش سخن خطبه یا کلام آهنگین است (نک: ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۶۱؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۷۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۶۸؛ ...) و حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله منحصراً خطیب قرآن و کسی است که انسان‌ها را با آیات قرآن مورد خطاب ساخته است. آن حضرت تنها کسی است که در دوران نزول، کلام‌الله را به‌صورت



وحی تلقی و برای مخاطبان مختلف قرائت کرده‌اند؛ یعنی کلام منسوب به خدا به مشیت او عزوجل، به تدریج و بخش‌بخش، همواره بر زبان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل و جاری شده است: «... اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُتَفَرِّقًا ... فَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ ...»<sup>۱۹</sup> (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۲۰).<sup>۲۰</sup> در این صورت روشن است که سید رسولان صلی‌الله‌علیه‌وآله، همواره خطیب تمام آیات قرآن بوده و کلام الهی به وسیله‌ی ایشان بر خلاق آشکار شده است. خطیب بالله بودن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شأن و منزلتی بلند را برای آن حضرت اثبات می‌کند و احاطه‌ی علمی ایشان را بر تمام قرآن و معانی آن به اثبات می‌رساند؛ زیرا به‌طور معمول مخاطب و گوینده‌ی سخن، «کلام» را برای تفهیم «معنا» به مخاطبان پدید می‌آورد؛ پس در یک فرایند مخاطبه، همواره خطیب بر آن چه می‌گوید (معنای کلام) آگاه است. در نتیجه از این منظر نیز، دانش فراگیر حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر تمامی قرآن و تفسیر معانی آن، به‌طور عادی اثبات می‌گردد.<sup>۲۱</sup>

ج- مخاطبان قرآن: منظور، فرد یا افرادی است که پاره‌ای از آیات، آنان را به‌طور مستقیم در فضای خطاب و نزول، مورد عنایت و خطاب قرار داده است و در ابتدا قصد دلالت آنها را بر «معنا» دارد.<sup>۲۲</sup> از ارکان سخن‌گفتن آن است که متکلم حکیم، مخاطبان خود را در فضای کلام، آشکارا بر معنای موردنظر دلالت کند. قرآن نیز به‌مثابه‌ی کلام<sup>۲۳</sup> (در ساختار متعارف زبان) میان آدمیان پدید آمده و مخاطبان خاص خود را، به‌طور صریح و روشن بر معنا دلالت می‌کند. از این رو، دیگر افراد که در فضای نزول، مخاطب مستقیم آیات نیستند، «مستمع» نامیده می‌شوند.<sup>۲۴</sup>

حال می‌توان با تدبیر در سیاق آیات و فضای نزول، به شناسایی برخی مخاطبان کلام‌الله مجید پرداخت (نک: شریفی، ۱۳۹۰ش، صص ۱۹-۱۴۹)؛ برای مثال، در آیه‌ی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (الفاتحه/ ۵) خداوند متعال مخاطب کلام‌الله مجید است که از سوی خطیب قرآن (= پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مؤمنان مورد خطاب قرار می‌گیرد. همچنین بسیاری آیات، روی سخن به شخص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ» (المدثر/ ۱-۲) یا «وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى» (الضحى/ ۷)؛ نیز برخی آیات، مؤمنان را خطاب می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ» (الأنفال/ ۲۰)؛ بعضی آیات هم خطاب به عموم مردمان است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ...» (الحج/ ۱) یا «... وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنَّهُ فَاتَّقُوا...» (الحشر/ ۷)؛ گاه نیز اهل کتاب مخاطب کلام‌الله مجید هستند: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ

تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ» (آل عمران / ۷۰) و گاه کافران: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ...» (التحریم / ۷)؛ نیز برخی آیات افرادی خاص را مورد خطاب قرار می‌دهد: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا...» (التحریم / ۴).

د- فضای خطاب و نزول: هر دسته از آیات وحی در زمینه و بستری به نام «فضای خطاب» نازل شده‌اند. فضای خطاب، معنایی نزدیک به «استحقاق خطاب» در لسان برخی روایات دارد (نک: بند ۳) که در علوم قرآن به «سبب نزول» مشهور شده و در دانش معناشناسی «کاربرد» نام گرفته است. به‌گواه تاریخ، کلام‌الله مجید در دوران رسالت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله، همواره در اسباب نزول و کاربردهای گوناگون نازل شده است. در واقع، فضای خطاب زمینه‌ای است که یک وحی قرآنی، به‌طور خاص در بستر آن پدید آمده است. پدیدآمدن قرآن به‌مثابه‌ی کلام و در اسباب نزول، وحی قرآنی را با وحی تورات (و دیگر کتب آسمانی) که به‌صورت «الواح مکتوب» بوده‌اند، متفاوت می‌سازد: «وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَلْوَابِحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ...» (الاعراف / ۱۴۵). در این مقام، توجه به کلام‌بودن قرآن به‌هنگام نزول (دربرابر مکتوب‌بودن الواح) نشان‌دهنده‌ی نقش مهم کاربرد و فضای خطاب آیات در دلالت بر معانی قرآن کریم است؛ به‌طوری‌که فقدان آن، فهم کلام را دچار آسیب می‌کند. در نتیجه، فضای خطاب و نزول آیات از لوازم دلالت بر معنا تلقی می‌شود.

ه- آیات قرآن: قرآن «کلام» منسوب به خداست و حقیقتی بلندمرتبه که به‌صورت الفاظ و نشانه‌های زبانی نازل شده است و در فضای خطاب، بر معنای مشخص دلالت می‌نماید. در این راستا، مطالعات معناشناختی نشان داده‌اند که «نشانه‌ها در ارتباط با مخاطب، نشانه می‌شوند؛ آنها متمایزکننده‌ی معنا از غیر آن هستند و از این جهت برای کشف و فهم معنا به کار می‌روند. پس اگر نشانه فاقد چنین ویژگی‌هایی باشد، نشانه‌بودن آن از اساس منتفی خواهد شد (پاکتچی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۱). درباره‌ی قرآن اما، این نکته بارها با تعبیر «آیات بینات» نمودار گشته است (مانند: البقرة / ۹۹)؛ یعنی، قرآن کریم آیات خود را نشانه‌هایی معرفی می‌کند که متمایزکننده و آشکارکننده‌ی معناست (البقرة / ۱۳۰). در نتیجه، آیات قرآن نشانه‌هایی صریح و روشن برای مخاطبان خاص خود است و از هرگونه عیب و نقص در دلالت به‌دور می‌باشد. به‌دیگرسخن، آیات قرآن نشانه‌هایی زبانی است که همواره در فضای خطاب و نزول، مخاطب/مخاطبان خاص خود را «محکم» و استوار بر معنا رهنمون می‌سازد.

پس، به‌طور خلاصه می‌بایست الفاظ قرآن را نشانه‌هایی زبانی دانست که از سوی متکلم حکیم آن، به‌وسیله‌ی خطیب قرآن صلی‌الله‌علیه‌وآله در فضاها گوناگون خطاب (سبب نزول) نازل

شده و مخاطبان خاص خود را در سازوکار متعارف زبانی، به‌طور صریح و روشن بر معنا دلالت نموده است. در این مقام برای تبیین سازوکار خطاب و دلالت آیات در فضای خطاب و نزول به ذکر چند مثال بسنده می‌شود:

### ۱.۳ خطاب و دلالت در سوره‌ی کوثر

کوتاه‌ترین سوره‌ی قرآن، نمونه‌ای است که سازوکار خطاب و دلالت آیات را نمایان می‌سازد؛ برای این منظور، روایت ذیل می‌تواند فضای خطاب و نزول این سوره را به تصویر کشد:

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَسْجِدَ وَ فِيهِ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ<sup>۲۵</sup> وَ الْحَكَمُ بْنُ أَبِي الْعَاصِ قَالَ  
عَمْرُو: يَا أَبَا الْأُبَيْرِ - وَ كَانَ الرَّجُلُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَلْدٌ سُمِّيَ أُبَيْرًا - ثُمَّ قَالَ عَمْرُو: إِنِّي  
لَأَشْتَنُ مُحَمَّدًا أَوْ أُبْعِضُهُ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ  
انْحَرْ إِلَيَّ قَوْلُهُ إِنَّ شَأْنَيْكَ أَوْ مُبْعِضَكَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ، هُوَ الْأُبَيْرُ يَعْنِي لَا دِينَ لَهُ وَ لَا نَسَبَ<sup>۲۶</sup>  
(قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۴۵).

براساس روایت بالا، «مخاطب» آیه‌ی «إِنَّ شَأْنَيْكَ هُوَ الْأُبَيْرُ» (الکوثر/ ۳) به‌طور غیرمستقیم عمروبن‌عاص است. نزول این آیه و پدید آمدن آن در فضای خطاب و نزول، در ابتدا و به‌طور خاص، برای دلالت او بر معناست؛ از این رو او به‌عنوان مخاطب این آیه، بااطلاع از فضای نزول و خطاب می‌تواند معنای آن را ادراک کند. اما این سخن بدین معنا نیست که این فرد، به‌عنوان کسی که هم‌عصر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است می‌تواند معانی دیگر آیات را دریابد؛ ای بسا او در ادراک آیه‌ی نخست همین سوره نیز در مانده باشد و منظور از واژه‌ی «کوثر»<sup>۲۷</sup> را نداند. در واقع، آیات این سوره خطاب مستقیم به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ابتدائاً در مقام تکلم با ایشان نازل شده اما آیه‌ی سوم به‌طور غیرمستقیم، عمروبن‌عاص را به‌عنوان دشمن آن حضرت، مورد خطاب قرار داده، او را بر معنای مورد نظر دلالت می‌نماید.

با این حال، معنای آیه‌ی (الکوثر/ ۳) برای مستمعان (غیرمخاطبان) که در فضای خطاب آیه غایب‌اند و سبب نزول را نمی‌دانند، واضح نیست. آنها با استماع این آیه‌ی موجز نمی‌توانند سبب نزول آیه و مراد از واژه‌ی «شأنتک» را دریابند. این مثال نشان می‌دهد قرآن مجید به‌مثابه‌ی «کلام»، در ساختار دلالت زبانی، مخاطبان خاص خود را در فضای خطاب و نزول بر معنای مشخص دلالت می‌نماید اما نسبت به دیگر مستمعان غایب از فضای نزول، غیر واضح به نظر می‌رسد.

### ۲.۳ خطاب و دلالت در سوره کافرون

سوره‌ی کافرون و سبب نزول آن، مثال دیگری است که سازوکار دلالت زبانی را در قرآن کریم نشان می‌دهد. در برخی تفاسیر آمده است: فردی از ابوجعفر احول معنای عبارت «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ» (الکافرون / ۳ و ۵) و علت تکرار آن را در سوره‌ی کافرون جویا شد. ابوجعفر احول از پاسخ درماند؛ لذا نزد حضرت صادق علیه‌السلام رفت و جواب را از آن حضرت درخواست کرد. امام علیه‌السلام با بیان سبب نزول این آیه (= فضای خطاب)، وجه تکرار آن را چنین بیان فرمودند:

... فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ سَبَبُ نَزُولِهَا وَتَكَرُّرِهَا: أَنَّ قُرَيْشًا قَالَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَعْبُدُ آلِهَتَنَا سَنَةً وَنَعْبُدُ إِلَهَكَ سَنَةً، وَتَعْبُدُ آلِهَتَنَا سَنَةً وَنَعْبُدُ إِلَهَكَ سَنَةً. فَأَجَابَهُمُ اللَّهُ بِمِثْلِ مَا قَالُوا؛ فَقَالَ فِيمَا قَالُوا تَعْبُدُ آلِهَتَنَا سَنَةً: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ؛ وَفِيمَا قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ سَنَةً: وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ؛ وَفِيمَا قَالُوا تَعْبُدُ آلِهَتَنَا سَنَةً: وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ؛ وَفِيمَا قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ سَنَةً: وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَلِي دِينٌ ...<sup>۲۸</sup> (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، صص ۴۴۵-۴۴۶).

چنان‌که پیداست، حکمت تکرار این آیه در فضای خطاب و نزول آیه، به صورت «کاربردی»<sup>۲۹</sup> به دست می‌آید. در واقع خداوند متعال در این سوره به‌طور پی‌درپی به سه سخن کافران پاسخ داده است؛ نه‌اینکه یک حکم کلی را به‌اطناب چند بار تکرار کرده باشد. بدین ترتیب سوره‌ی کافرون مثال دیگری است که نشان می‌دهد چگونه آیات منفرد کلام‌الله مجید در ابتدا مخاطبان خاص خود را در فضای نزول و خطاب به‌روشنی بر معنا دلالت می‌کند اما برای دیگران ابهام‌آمیز جلوه می‌نماید.

### ۳.۳ خطاب و دلالت در ابتدای سوره‌ی معارج

آیات ابتدایی سوره‌ی معارج نمونه‌ای است که نحوه‌ی خطاب و دلالت آن، دیگر بار به‌کمک سبب نزول آیه قابل بررسی است. روایت ذیل می‌تواند سبب نزول این آیات را چنین تصویر کند:

گونه‌شناسی «مخاطبان» قرآن ... (محمدرضا شاهرودی و محمدتقی کبریت‌چی) ۱۱۳

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ. قَامَ النُّعْمَانُ بْنُ الْمُنْذِرِ الْفَهْرِيُّ فَقَالَ: هَذَا شَيْءٌ قُلْتُهُ مِنْ عِنْدِكَ أَوْ شَيْءٌ أَمَرَكَ بِهِ رَبُّكَ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأَبْلُ أَمْرَنِي بِهِ رَبِّي. فَقَالَ اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ فَمَا بَلَغَ رَحْلَهُ حَتَّى جَاءَهُ حَجَرٌ فَأَذْمَاهُ فَخَرَّ مَيِّتًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ<sup>۳۰</sup> (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۱۳۶، به نقل از شواهد التنزیل).

این روایت نیز نشان می‌دهد، آیات «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» (المعارج/ ۱-۲)، با اتکال بر فضای نزول، مخاطبان خاص خود را بر معنا دلالت می‌کند. آن دسته از مسلمانان که شاهد این اتفاق و پرسش نعمان فهری هستند، مخاطبان خاص این آیه قلمداد می‌شوند. آنان «سائل» را می‌شناسند و سبب سؤال او را می‌دانند و با احاطه بر فضای نزول می‌توانند به «معنا»ی آیه راه برده، مراد خداوند را دریابند. این آیات به گونه‌ای برای مخاطبان خود فراهم آمده است که آنان بتوانند با توجه به فضای نزول آیه و حوادث مربوط به آن به معنای روشن آیه دست یابند. از سوی دیگر، دیگر افراد و اصحاب که خارج از فضای نزول، این آیات را شنیده‌اند غیرمخاطب محسوب می‌شوند. آنان به علت ناآگاهی از فضای نزول و خطاب این آیات، نمی‌توانند به معنای مشخص همین آیات راه برند. آنها مراد از «سائل» (نعمان فهری) و جهت پرسش او را نمی‌دانند و از سبب عذاب او ناآگاهند. در نتیجه «مستمعان» در مواجهه با این آیات، تنها دورنمایی کلی از معنا را به دست می‌آورند؛ در نتیجه با چنین دورنمایی کلی، «معنا» برای آنان واضح و روشن نخواهد بود. لذا مستمعان پسین، برای یافتن معنای مشخص این آیات، نیازمند تفسیر و تبیین از سوی «عالمان قرآن»<sup>۳۱</sup> هستند.

از این گذشته، ای بسا بسیاری از افراد حاضر در این ماجرا نتوانسته باشند معنای واضح آیات بعدی را دریابند: «مَنْ أَلَّهَ ذِي الْمَعَارِجِ، تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (المعارج/ ۳-۵). در این صورت این افراد نیز نسبت به این آیات، مستمع (غیرمخاطب) خواهند بود. در واقع این آیات، خطاب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است و در مرتبه‌ی دانش و احاطه‌ی علمی آن حضرت (به عنوان دانش پیش‌زمینه‌ی مخاطب) بر عالم پسین نازل شده است. سید رسولان صلی‌الله‌علیه‌وآله فضای خطاب این آیات را می‌شناسند، منظور از «عروج» ملائکه به سوی پروردگار را می‌دانند و مراد از «یوم» و مقدار آن را ادراک می‌کنند. به نظر نگارندگان این مقاله، دلالت اینچنین آیات بر حقایق اخروی نیز براساس سازوکار دلالت زبانی میسر می‌شود؛ آنان که جوایب فهم و یافتن معنای چنین آیاتی هستند با

تفسیر و تبیین از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و وارثان علم ایشان علیهم السلام قادر می‌شوند به معانی رفیع آن دست یابند.

#### ۴. «مخاطبان» مختلف قرآن و نقش آنان در فهم معنا

حال براساس سازوکار خطاب و دلالت در کلام الله مجید (بند ۳)، می‌توان به مطالعه‌ی مخاطبان آیات و تفاوت آنها با مستمعان پرداخت. «مخاطبان» آیات، افرادی خاص در فضای نزول و خطاب آیات هستند که کلام الله مجید در ابتدا قصد دارد آنها را بر معنای مشخص دلالت کند؛ مخاطبان خاص آیات، در اسباب نزول مختلف آن قابل شناسایی اند؛ از آن جمله: گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، رسولان و فرشتگان یا مؤمنان مخاطب قرآن می‌شوند و گاه نیز منافقان، کافران یا مشرکان مورد خطاب قرار می‌گیرند. بدین ترتیب می‌توان آیات مختلف قرآن را خطاب به مخاطبان گوناگون در نظر گرفت:

«قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ؛ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ»<sup>۳۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۰۴، به نقل از الدرّة الباهرة)

براین اساس، عبارات‌های قرآن برای عموم مردمان، اشاره‌های آن برای خواص اما مخاطب لطایف و حقایق آن، اولیاء و انبیاء علیهم السلام هستند. چنین می‌نماید که این دسته‌بندی مبتنی بر رتبه و درجات عقل، ایمان و معرفت «مخاطبان» انجام شده است؛ یعنی، انبیاء و اولیاء علیهم السلام مخاطب حقایق و لطایف قرآن هستند و دیگران تنها مستمع این دسته آیات خواهند بود. همچنین، اشاره‌های قرآن برای خواص تدارک شده است و عوام، مخاطب این دسته آیات نیستند. سرانجام، عبارات‌های قرآن آیتی است که برای عموم مردمان نازل شده است. حال می‌توان نتیجه گرفت: همگان (حتی در عصر نزول) قادر به تفسیر و فهم معنای تام و مشخص همه‌ی آیات نیستند؛ آن دسته از آیات که برای خواص تدارک شده، برای عوام ناواضح و دیریاب است و آن گروه از آیات که مربوط به انبیاء علیهم السلام است، برای اولیاء علیهم السلام زودیاب نیست. به نظر می‌رسد نمونه‌های ذیل بتواند انواع آیات و سطوح معنایی آنها، و از سوی دیگر اقسام مخاطبان (از نظر رتبه و درجات عقل، ایمان و معرفت) و وضوح معنایی برای آنان را نشان دهد (جدول ۱).

جدول ۱- نمونه‌هایی از مراتب آیات و اقسام مخاطبان آن

نمونه آیه	رتبه‌ی آیه	مخاطب آیه
«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (الإخلاص / ۱)	از عبارات قرآن	عموم مردمان
«اللَّهُ الصَّمَدُ» (الإخلاص / ۲)	از اشارات قرآن	خواص مردمان
«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...» (الأحزاب / ۷۲)	از لطائف قرآن	اولیاء علیهم‌السلام
«الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه / ۵)	از حقایق قرآن	انبیاء علیهم‌السلام

در مثال‌های بالا، عموم مردمان از آیه‌ای چون (الأحزاب / ۷۲) دورنمایی اجمالی (به‌معنای فشرده و مختصر) و کلی را دریافت می‌کنند؛ زیرا از فضای خطاب این گونه آیات ناآگاه‌اند و قادر به ادراک معنای بلند آن نیستند. آنها مراد از امانت و عرضه‌ی آن بر آسمان و زمین را نمی‌دانند؛ پس نمی‌توانند به معنای مشخص آیه راه برند. این مسأله در آیه‌ی (طه/ ۵) که گزاره‌ای درباره‌ی خداوند است، مشکل‌تر می‌نماید؛ چنان‌که تشابه لفظی در عبارت «... عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» و رفعت معنای آن، ممکن است برای بسیاری از مستمعان (غیرمخاطبان)، به «تشابه معنایی» بینجامد؛ حال‌آنکه همین آیه برای مخاطبان خاص خود «محکم» و واضح بر معنا دلالت می‌کند.

اکنون شایسته است به شناسایی «مستمعان» آیات و تفاوت آنان با «مخاطبان» پرداخت. مستمعان افرادی هستند که کلام‌الله مجید در فضای نزول و خطاب آیات، درابتدا قصد دلالت آنها را بر معنا ندارد. چنین افرادی در فضای نزول غایب‌اند و سبب نزول آیات را نمی‌دانند، یا از ادراک معنای رفیع چنین آیاتی ناتوان‌اند؛ بدین ترتیب، مستمعان (حتی در عصر نزول) نمی‌توانند به معنای مشخص این دسته آیات راه یابند. به‌دیگرسخن، آیات مختلف قرآن در سطوح گوناگون قرار دارد و درابتدا، «مخاطبان» خاص خود را بر معنا دلالت می‌نمایند؛ به‌گونه‌ای که دیگر مستمعان، قادر به ادراک معنای مشخص آن آیات نیستند. درنتیجه، یک آیه از قرآن برای مخاطبان خاص خود واضح و آشکار بر معناست اما برای بسیاری از مستمعان، معنایی واضح و آشکار نداشته، تنها نشان‌دهنده‌ی مفهومی کلی و دورنمایی اجمالی و موجز است.

باری، دسته‌بندی آیات قرآن در سطوح و مراتب مختلف معنایی، همچنین طبقه‌بندی مخاطبان آیات در مراتب گوناگون معرفتی و تمیز «مخاطبان» خاص از «مستمعان» از نتایج مهم

رویکرد «معناشناسی کاربردی» و «دلالت زبانی» به قرآن کریم است. حال می‌توان براساس توضیحات فوق، بر مطالب ذیل استدلال کرد:

#### ۱.۴ مراتب آیات و سطوح معنایی در قرآن

قرآن مجید، آیه و معجزه‌ی جاودانه‌ی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای همه‌ی مردمان در تمام اعصار و عرصه‌هاست. این مهم نشان می‌دهد آیات مختلف قرآن، همواره مخاطبان مختلف خود را (از جهت استعداد و هندسه‌ی وجودی) در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون فرا می‌خواند و آنان را به سوی علوم بی‌پایان خویش دلالت می‌نماید (میرزای اصفهانی، ۱۴۳۸ق، ص ۹۲). در نتیجه، کلام‌الله مجید می‌بایست حاوی آیاتی خاص برای گونه‌های مختلف مخاطبان باشد تا بتواند وظیفه‌ی دلالت، هدایت و برهان‌بودن خود را در سطوح گوناگون نسبت به آنان انجام دهد. به‌سختی دیگر، جاودانه‌بودن قرآن کریم، نشان‌گر دلالت آیات بر مراتب مختلف معنا، برای مخاطبانی گسترده در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون است.

درضمن، گاه مراتب معنا در بطون آیات است؛ بدین‌معناکه ممکن است معنای ظاهر آیه در فضای نزول، آشکار و زودپاب اما معنای باطن آن، نهان و دیرپاب باشد؛ برای مثال در آیه‌ی: «... وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ...» (الأنبیاء / ۳۰)، گرچه واژه‌ی «ماء» معنایی دسترس‌پذیر دارد اما در فضا و کاربردی دیگر، بر معنای بلندی دلالت می‌کند که هرکس را یارای دریافت آن نیست (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۹۴).<sup>۳۳</sup>

#### ۲.۴ «مخاطبان خاص»، «مستمعان» و «مخاطبان عام» قرآن

چنان‌که گذشت، آیات مختلف قرآن در «فضای خطاب» خود روی سخن به فرد یا افرادی خاص دارد که از این پس «مخاطبان خاص» نامیده می‌شوند. مخاطبان خاص آیات از جهت عقل و معرفت مختلف‌اند و هرکدام مخاطب آیاتی چند از کلام‌الله مجید قرار می‌گیرند اما همواره آیات مختلف قرآن، مخاطبان خاص خود را در ساختار دلالت زبانی و در فضای خطاب، روشن و آشکار بر معنا دلالت می‌کند. بدین‌ترتیب، هر دسته از مخاطبان خاص قرآن می‌توانند به‌طور واضح به معنای مشخص و صریح آیات انفرادی، راه برند (همانند مثالهای بند ۳).



از سوی دیگر، افرادی که مخاطب خاص آیاتی چند از کلام الله مجید نیستند، «مستمع» نامیده می‌شوند. در این صورت ممکن است افرادی «مخاطب خاص» بعضی آیات باشند اما نسبت به دیگر آیات، مستمع محسوب شوند. مستمعان، به سبب نداشتن فضای خطاب چنین آیات یا رفعت معنای آنها، قادر به ادراک معنای مشخص آن آیات نیستند و تنها مفهومی کلی و دورنمایی اجمالی (به معنای موجز و مختصر) را دریافت می‌کنند؛ به دیگر سخن، مستمعان ابتدائاً قادر به تفسیر و فهم معنای مشخص این آیات نیستند.

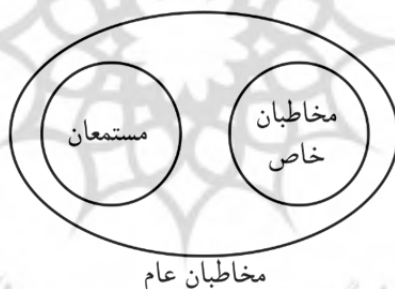
در نتیجه، هم قرآن کریم دارای مراتب مختلف معناست، هم مخاطبان قرآن در سطوح مختلف عقل و معرفت قرار می‌گیرند؛ همچنین در هر «فضای خطاب»، «مخاطبان» از «مستمعان» تفکیک می‌شوند. برای مثال، در بند (۲-۳)، آن گروه از کافران که درخواستی به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله داشتند، مخاطبان خاص سوره‌ی کافرون محسوب می‌شوند اما سایر مردمان که در فضای کلام غائب‌اند و سبب نزول این سوره را نمی‌دانند، پس از شنیدن این آیات «مستمع» خواهند بود. بنابراین، همواره آیات قرآن «مخاطبان خاص» خواهد داشت که متکلم حکیم قرآن در فضای نزول و خطاب، ابتدائاً قصد دارد آنان را بر معنا دلالت نماید؛ در مقابل، سایر افراد «مستمع» آیات خواهند بود.

لیکن، مخاطبان قرآن تنها به هم‌عصران پیامبر صلی الله علیه و آله محدود نمی‌شوند بلکه طیف گسترده‌ای از انسان‌ها، بلکه مخلوقات را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف در بر می‌گیرند (نک: شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۹۱ش، ص ۹۳). به دیگر سخن، مخاطبان قرآن همواره مردمان دوران نزول وحی نیستند بلکه آیات قرآن در «فضاهای خطاب» دیگر<sup>۳۴</sup>، افراد بسیاری (حتی سایر مخلوقات) را خطاب می‌کنند و قصد هدایت آنان را دارند؛ در نتیجه، این سخن به معنای عام بودن خطاب‌های قرآن کریم است. حال، می‌توان «مخاطبان» قرآن را به دو دسته‌ی عمده‌ی «مخاطبان خاص» و «مخاطبان عام» تقسیم کرد:

الف - «مخاطبان خاص»: این دسته، افراد مشخصی هستند که خداوند در فضای خطاب و نزول آیاتی چند (سبب نزول)، در ابتدا قصد دارد آنان را بر معنای مشخصی دلالت کند. چنان‌که گذشت، منظور از مخاطبان خاص، همه‌ی هم‌عصران یا اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عموم عرب‌زبانان و مانند آنان نیستند؛ بلکه تنها اشخاصی هستند که در یک وحی قرآنی، مخاطب برخی آیات قرار می‌گیرند (مانند مثالهای بند ۱-۳ تا ۳-۳). این آیات انفرادی برای مخاطبان خاص خود، «محکم» و واضح است.

ب - «مخاطبان عام»: این دسته، همه‌ی انسانها (نیز مخلوقات دیگر) در زمانها و مکانهای مختلف را در بر می‌گیرد. بدین سان، تمام هم‌عصران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز تمام مردمان، جزء مخاطبان عام قرآن قرار خواهند گرفت. در واقع، اسلام، دین خاتم و قرآن کلامی برای هدایت عموم است؛ یعنی کلام‌الله مجید همگان را در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون بر مراتب معنا رهنمون می‌سازد.<sup>۳۵</sup>

کوتاه‌سخن اینکه، آیات قرآن در هر فضای نزول یا خطاب دارای «مخاطبان خاص» خود است که متکلم حکیم، در ابتدا قصد دارد آنان را بر معنای مشخص دلالت نماید؛ براین اساس دیگر افراد «مستمع» آیات خواهند بود. اما از آنجاکه کلام‌الله مجید قصد هدایت همگانی دارد، دارای «مخاطبان عام» در زمان‌ها و مکان‌های دیگر نیز هست؛ به‌گونه‌ای که مخاطبان خاص و مستمعان آیات نیز جزء مخاطبان عام آن قرار می‌گیرند (شکل ۲). در واقع، قرآن دارای مراتب معنایی مختلف است و به افراد خاص در زمان و مکان معین محدود نمی‌شود. به بیان دیگر، قرآن کریم همواره مخاطبان عام خود را خطاب می‌کند تا با تدبیر در آیاتش به فهم معانی جدید آن (بطون قرآن) دست یابند.



شکل ۲. مخاطبان خاص، مستمعان و مخاطبان عام قرآن کریم

#### ۳.۴ لزوم رجوع همگان به «عالمان قرآن» علیهم‌السلام

باتوجه به سازوکار دلالت و خطاب در کلام‌الله مجید (نک: بند ۳) و وجود مراتب آیات و سطوح معنایی در آن می‌توان اثبات کرد «مخاطبان خاص»، «مستمعان» و «مخاطبان عام» قرآن، ناگزیر از رجوع به «عالمان قرآن» خواهند بود:

الف - «مخاطبان خاص» آیات بی‌نیاز از «عالمان قرآن»، یعنی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام، نیستند؛ زیرا آنها تنها مخاطب پاره‌ای از آیات قرآن به صورت انفرادی بوده‌اند (مانند

مثالهای بند ۳) و در فهم معنای آیات بلندمرتبه یا آیاتی که فضای نزول و خطاب آن را نمی‌دانند، درمانده می‌شوند. از سوی دیگر آیات قرآن دارای بطون و مراتب مختلفی است (تأویل‌های قرآن) که مؤمنان، خود را موظف به فراگیری آن می‌بینند اما فهم این معانی از طاقیت افهام ایشان خارج است (نک: بند ۴-۱). در این صورت مخاطبان خاص آیات، پس از ادراک معانی اولیه، برای تعالی معرفت خود و فهم اشارات، لطایف و حقایق قرآن ملزم به رجوع و پرسش از «عالمان قرآن» خواهند بود.

ب- «مستمعان» نیز برای دریافت معنای مشخص آیات نیازمند رجوع و پرسش از «عالمان قرآن» هستند؛ زیرا آنها در فضای خطاب و نزول آیات غائب‌اند و نمی‌توانند جهت دلالت الفاظ را کشف کنند، همچنین بسیاری آیات بلندمرتبه از حد افهام آنان خارج است. عالم قرآن کسی است که «فضای خطاب» و «جهت دلالت» الفاظ (شکل ۱) را نسبت به تمام آیات می‌داند و می‌تواند با تشریح فضای خطاب، به تبیین آیات گوناگون بپردازد. بدین ترتیب عالمان قرآن با بیان فضای نزول و خطاب آیات، نیز با تبیین آیات بلندمرتبه، مراتب معنایی آیات را در دسترس فهم و ادراک مستمعان قرار می‌دهند. این درحالی است که آیات قرآن در سطوح و مراتب مختلف خود، از ساده تا دشوار طبقه‌بندی نشده است؛ زبان قرآن، «زبان طبیعی» است و آیات آن مانند مکتوبات علمی بشر که به «زبان صوری» نگاشته می‌شود، به صورت خودآموز از سطوح ابتدایی تا متوسطه و عالی منظم نشده است؛ بدان معنای ممکن است نخستین آیه از سوره‌ی توحید خطاب به عموم مردمان باشد اما دومین آیه‌ی آن، افرادی خاص را مخاطب خود سازد (نک: جدول ۱). از این رو، مستمعان که مخاطب خاص و مستقیم آیات نیستند، نمی‌توانند با اتکاء به خود به مراتب رفیع معنایی آیات دست یابند. سرانجام سطوح مختلف افهام مستمعان برای یافتن معنای آیات، سبب ایجاد اختلاف میان آنها می‌شود و تنها چاره‌ی آنان رجوع به «عالمان قرآن» خواهد بود.<sup>۳۶</sup>

ج- «مخاطبان عام»، همچنین تالیان کتاب که در زمان‌ها و مکان‌های پسین، مصحف شریف را قرائت می‌کنند، نیز ملزم به رجوع و سؤال از عالمان قرآن هستند. آنها به سبب غیاب فضای نزول و خطاب آیات، تنها مفهومی کلی و دورنمایی اجمالی و مختصر را از آیات دریافت می‌کنند و حتی از فهم معنای تنزیلی بسیاری آیات نیز درمانده می‌شوند (مانند نمونه‌های بند ۳)؛ چه رسد به آنکه بتوانند تأویل آیات و معنای باطنی قرآن را به دست آورند. لذا آنان نیز به مانند مستمعان، نیازمند مراجعه و پرسش از عالمان قرآن خواهند بود.

در نتیجه، با بیان لزوم رجوع «مخاطبان خاص، مستمعان و مخاطبان عام» به عالمان قرآن علیهم السلام نیازمندی همه‌ی جویندگان معارف قرآن به ایشان برای فهم معنای مشخص تنزیل و تأویل آیات اثبات می‌گردد.

### ۵. تأمل در معنای حدیث «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّبَ بِهِ»

در این مقام، تلاش می‌شود معنای حدیث مشهور: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّبَ بِهِ» با توجه به یافته‌های این نوشتار تبیین گردد. برای این منظور ابتدا متن حدیث مرور می‌شود:

... دَخَلَ قَتَادَةُ بْنُ دِعَامَةَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا قَتَادَةُ أَنْتَ فَقِيهُ أَهْلِ الْبَصْرَةِ؟ فَقَالَ: هَكَذَا يَزْعُمُونَ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَّغْنِي أَنْكَ تَفْسِّرُ الْقُرْآنَ! فَقَالَ لَهُ قَتَادَةُ: نَعَمْ. فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَعْلَمَ تُفَسِّرُهُ أَمْ بِجَهْلٍ؟ قَالَ: لَا بَعْلَمَ. فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنْ كُنْتَ تُفَسِّرُهُ بَعْلَمَ فَأَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ. قَالَ قَتَادَةُ: سَلْ ... فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَحْكُ يَا قَتَادَةُ إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّبَ بِهِ.<sup>۳۷</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، صص ۳۱۱-۳۱۲).

گاه در تبیین عبارت آخر این حدیث بیان می‌شود: «قرآن را تنها مخاطب آن، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، می‌فهمند» اما چنان‌که گذشت، آیات انفرادی قرآن مخاطبان خاص و مختلفی دارد که هر یک در فضای خطاب می‌توانند معنای مشخص کلام الله را ادراک کنند؛ پس نمی‌توان مخاطب تمام آیات را تنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام دانست و فهم آیات را به ایشان منحصر ساخت. باید توجه داشت عدم توجه به این نکته، ممکن است سبب بروز آسیب فهم‌ناپذیری قرآن شود (نک: راجانی و مؤدب، ۱۳۹۷ش، صص ۳۴۸-۳۵۰)؛ چنان‌که از نوشته‌ی برخی چنین پنداره‌ای قابل برداشت است (نک: استرآبادی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۷۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۲). لیکن این برداشت ناصواب از این حدیث به ابهام ذاتی کلام الله مجید می‌انجامد و با «اصل صراحت کلام برای مخاطبان» و محکم و واضح بودن دلالت آیات برای مخاطبان خاص آن ناسازگار است.

حال با توجه به مطالب پیشین، می‌توان دو وجه معنایی ذیل را در تفسیر این حدیث در نظر گرفت:

## ۱.۵ وجه معنایی اول

معنای نخست و ارجح روایت اینکه: «تنها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام تمام معانی قرآن را در سطوح مختلف آن ادراک می‌کنند». در این وجه معنایی، مراد از «قرآن» تمامیت آن است و گرنه مخاطبان خاص آیات قادرند معنای مشخص آن آیات انفرادی را در فضای نزول یا خطاب دریابند. در این صورت منظور از «إنما»، اختصاص فهم معانی تام و حقیقت قرآن کریم (شامل ظهر، بطن، ناسخ و منسوخ و ...) برای معصومان علیهم‌السلام است؛ نه اینکه فهم قرآن تنها به ایشان منحصر شود (نک: خوبی، بی‌تا، ص ۲۶۶). حال، با توجه به یافته‌های این نوشتار، می‌توان تقدیر عبارت پایانی این حدیث را این‌گونه دانست: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطِبَ (الْمُخَاطَبُ) بِهِ»؛ در این صورت معنای حدیث چنین خواهد بود: «تمام معانی قرآن را تنها کسی می‌داند که مخاطبان قرآن، بوسیله‌ی او مورد خطاب قرار گرفته‌اند». چنان‌که گذشت منظور از این فرد، «خطیب قرآن» یعنی حضرت سید المرسلین صلی‌الله‌علیه‌وآله است و پس از ایشان، اهل بیت علیهم‌السلام در این جایگاه رفیع قرار خواهند گرفت (نک: بند ۳).

## ۲.۵ وجه معنایی دوم

گذشته از معنای مشهور نخست، می‌توان معنای محتمل دیگری را نیز برای این حدیث در نظر گرفت: «معنای آیات منفرد قرآن را تنها مخاطبان خاص آن می‌فهمند». چنان‌که گذشت آیات مختلف قرآن خطاب به افراد گوناگون است؛ نه‌آنکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مخاطب تمام آیات باشند. بر این اساس، وجه دوم معنایی حدیث نشان می‌دهد در ابتدا، کلام الله مجید تنها برای مخاطبان خاص آن (نک: بند ۴-۲)، در فضای نزول و خطاب، نازل شده است تا آنها را بر معنای مورد نظر دلالت نماید؛ پس مرجع ضمیر «ه» در عبارت «مَنْ خُوِّطِبَ بِهِ»، ساحت قرآن کریم خواهد بود. بدین ترتیب، منظور از عبارت پایانی حدیث چنین است: تنها مخاطبان خاص آیات که بوسیله‌ی قرآن مورد خطاب قرار می‌گیرند، به فهم معنای مشخص آن آیات منفرد دست می‌یابند؛ لذا مخاطبان عام و مستمعان آیات برای فهم معنای دقیق آن، ناگزیر از رجوع به «عالمان قرآن» اند (نک: بند ۴-۳).

## ۶. نتیجه‌گیری

۱. سازوکار خطاب و دلالت در کلام‌الله مجید مبتنی بر زبان طبیعی و «دلالیت زبانی» است. براین اساس، در یک وحی و خطاب قرآنی غیر از خداوند متعال که «متکلم قرآن» است، «آیات قرآن»، «خطیب قرآن»، «مخاطبان قرآن» و «فضای خطاب» شایسته‌ی شناسایی و بررسی خواهند بود.

۲. از آنجاکه قرآن از سنخ «کلام» و در ساختار متعارف زبانی است، اصل بر صراحت کلام‌الله مجید برای مخاطبان خاص آن است؛ لذا الفاظ قرآن نشانه‌هایی زبانی است که از سوی خداوند متعال (= متکلم قرآن)، به وسیله‌ی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله (= خطیب قرآن) در فضاهای گوناگون خطاب (= سبب نزول) نازل شده است و مخاطبان خود را در سازوکار متعارف زبان طبیعی، صریح و روشن بر معنا دلالت می‌کند.

۳. سازوکار خطاب و دلالت در کلام خدا نشان می‌دهد: آیات منفرد قرآن، خطاب به افراد گوناگون و در کاربردها و فضاهای مختلف خطاب نازل شده است. براین اساس، هم آیات قرآن دارای مراتب و سطوح معنایی است و هم مخاطبان قرآن گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود.

۴. قرآن کریم دارای «مخاطبان خاص»ی است که قصد دارد آن‌ها را در فضای خطاب و نزول، بر معنای مشخصی دلالت نماید. این مخاطبان از جهت عقل و معرفت مختلف‌اند و هرکدام مخاطب آیاتی چند از کلام‌الله مجید قرار می‌گیرند و براین پایه است که آیات مختلف قرآن، مخاطبان خاص خود را در ساختار دلالت زبانی به‌طور صریح و روشن بر معنای مشخص آگاه می‌سازد. این سخن به معنای «محکم» بودن هر دسته از آیات قرآن کریم برای «مخاطبان خاص» خود است.

۵. دیگر «مستمعان» غیرمخاطب، به سبب نداشتن فضای خطاب برخی آیات یا رفیع بودن معنای آنها، قادر به ادراک معنای مشخص آیات نیستند و تنها مفهومی کلی و دورنمایی اجمالی (به معنای فشرده و مختصر) را از آن آیات دریافت می‌کنند. این آیات برای چنین مستمعان، غیرواضح یا به‌نوعی تشابه‌آور خواهد بود.

۶. جاودانگی قرآن کریم، نشان‌گر دلالت آیات بر مراتب مختلف معنا، برای مخاطبانی گسترده در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون است؛ در این صورت «مخاطبان عام» قرآن شامل همه‌ی انسانها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، همچنین دربرگیرنده‌ی «مستمعان» و تالیان کتاب خواهد بود.

گونه‌شناسی «مخاطبان» قرآن ... (محمدرضا شاهرودی و محمدتقی کبریت‌چی) ۱۲۳

۷. از آنجاکه قرآن کریم دارای مراتب مختلف معناست و مخاطبان آن از درجات مختلف عقل و معرفت بهره‌مندند؛ لزوم رجوع همگان (مخاطبان خاص، مستمعان و مخاطبان عام) به «عالمان قرآن»، یعنی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام، اثبات می‌شود.

۸. علاوه بر معنای مشهور حدیث «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ» مبنی بر این‌که: «تنها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام تمام معانی قرآن را ادراک می‌کنند» معنای دیگری برای آن قابل پیشنهاد است: «معانی انفرادی آیات را تنها مخاطبان خاص آن می‌فهمند». این هردو معنا نیز بیان‌گر لزوم مراجعه‌ی همگان به «عالمان قرآن» است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی بافت غیرزبانی یا برون‌زبانی، نک: (صفوی، ۱۳۹۴ش، صص ۸۰-۸۶).
۲. از نظر لغت عربی و مبانی معناشناسی، «تفسیر» به معنای کشف و آشکارکردن «معنا»ی پنهان لفظ است.
۳. معناشناسی کاربردی: شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه‌ی معنا در جریان کاربرد زبان می‌پردازد (نک: همان، صص ۴۱-۵۸).
۴. مقاله‌ی حاضر برپایه‌ی پژوهش پیشین نگارندگان، یعنی: «بازخوانی «دلالت زبانی» در فهم و تفسیر کتاب و سنت» (کبریت‌چی و شاهرودی، ۱۴۰۰ش)، نوشته شده است که با رویکرد «معناشناسی کاربردی» به معرفی دلالت زبانی و کاربرد آن در فهم و تفسیر قرآن کریم می‌پردازد؛ براین اساس، مقاله‌ی پیشین مقدمه‌ی نوشته‌ی پیش‌روست.
۵. نیز نک: البقرة/۷۵؛ الفتح/۱۵.
۶. «و چه کسی در سخن، از خدا راستگوتر است؟».
۷. «از حضرت صادق جعفر بن محمد علیهما‌السلام پرسیدم: یا ابن رسول الله در باب قرآن چه می‌فرمایید؟ پس فرمود: آن (قرآن) کلام خدا و قول خدا و کتاب خدا و وحی خدا و تنزیل اوست ...».
۸. باتوجه به معنای اصلی ماده‌ی «ک.ت.ب» که عبارت است از «جمع و ضمیمه کردن یک شیء به شیء دیگر» (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۲۵۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۸)، به نظر می‌رسد کاربرد واژه‌ی «کتاب» درباره‌ی قرآن به معنای «لفظ به هم پیوسته یا استوار» است؛ نه نوشتار. این چنین است که گروهی از جنی‌ها درباره‌ی قرآن گفته‌اند: «قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى ...»

- (الأحقاف / ۳۰). در این آیه، عبارت «سمع کتاب» به معنای شنیدن الفاظ به هم پیوسته و استوار قرآن است؛ نه شنیدن نوشتار.
۹. «این غیر از سخن بشر نیست».
۱۰. «حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیات قرآن را جز در زمان شایستگی خطاب ابلاغ نمی فرمود ...».
۱۱. آیهی (الأنعام / ۷) نیز به این مهم اشاره دارد.
۱۲. «و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم».
۱۳. «... پس عبدالله بن سلام از سران بنی اسرائیل گفت: ... به من خبر بده آیا خدا بر تو کتابی نازل کرده است؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آری. گفت آن کدام کتاب است؟ فرمود: فرقان. پرسید: چرا به «فرقان» نشانه گذاری شده است؟ فرمود: زیرا آیه ها و سوره های پراکنده است؛ قرآن به صورت الواح و مصحف ها نازل نشد؛ در حالی که کل تورات و انجیل و زبور به تمام در الواح و اوراق نازل شد ...».
۱۴. در برخی پژوهش های معناشناختی جدید درباره ی ارتباط و حیانی، به بعضی از این ویژگی ها اشاره شده است (نک: قائمی نیا، ۱۳۹۳ش، صص ۱۰۲-۱۱۳ و صص ۱۲۷-۱۳۲).
۱۵. البته، موارد بالا تنها بخشی از ویژگی های قرآن کریم به مثابه ی «کلام» است. خاطر نشان می شود پدید آمدن کلام الله از سوی خداوند و انتساب آن به ذات باری تعالی، خصوصیت ها و افزوده های منحصر به فردی را برای قرآن به ارمغان آورده است که این مقاله در صدد بررسی آن نیست. برخی احادیث به این ویژگی های خاص اشاره کرده اند (نک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، صص ۲۶۴-۲۶۵).
۱۶. در برخی روایات خداوند به عنوان «متکلم» قرآن معرفی شده است (نک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، صص ۱۰۰ و ۱۳۹ و ۲۲۷).
۱۷. «... حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: ... حال آنکه قرآن کریم به لسان من و به زبان عربی مبین فرود آمده است».
۱۸. ایزوتسو در کتاب *خدا و انسان در قرآن* به این نکته اشاره کرده است (نک: ایزوتسو، ۱۳۹۶ش، ص ۱۹۵).
۱۹. «... خدایا! تو قرآن را بر پیامبرت صلی الله علیه و آله به صورت بخش بخش و پراکنده نازل کردی ... پس بر محمد صلی الله علیه و آله که خطیب و سخن گوی آن است و خاندان او که نگهبانان آن هستند، درود فرست ...».



## گونه‌شناسی «مخاطبان» قرآن ... (محمدرضا شاهرودی و محمدتقی کبریت‌چی) ۱۲۵

۲۰. نمونه‌ای دیگر از کاربرد این وصف برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «... اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا خَطِيبًا وَقَدْ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۳، ص ۸۹، به نقل از فلاح السائل). در این دعا آن حضرت به‌عنوان خطیب از سوی جماعت مؤمنان در پیشگاه خداوند معرفی شده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۵۱).

۲۱. شایان ذکر است احاطه‌ی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر تمام علوم قرآن با توجه به «خلیفه‌الله» بودن آن حضرت، به‌طور خاص اثبات می‌گردد. همچنین اهل بیت علیهم‌السلام، به‌عنوان وارثان علوم آن حضرت، از این رهگذر در جایگاه نگهبانان قرآن قرار می‌گیرند.

۲۲. در نظر گرفتن مخاطبان کلام‌الله مجید و نقش آنان فهم معنا در برخی پژوهش‌های جدید نمودار شده است (مانند: فتاحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵ش).

۲۳. اهل زبان، با مراجعه به ساحت قرآن «کلام» بودن و دلالت‌های آشکار آن را بر معانی، به‌بدهات عقلی کشف می‌کنند.

۲۴. «مستمعان»، مخاطبان خاص آیات نیستند اما از دیگر سو مخاطب عام قرآن محسوب می‌شوند (نک: بند ۲-۴).

۲۵. در بعضی نقل‌ها، «عاص بن وائل» ذکر شده است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۷۱).

۲۶. «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مسجد وارد شدند در حالی که عمرو بن عاص و حکم بن عاص در آنجا بودند. عمرو گفت: ای «أبا الأبر» - قابل ذکر است که در زمان جاهلیت شخصی را که فرزند (پسر) نداشت «أبتر» می‌نامیدند - سپس عمرو گفت: «إِنِّي لَأَشْنَأُ مُحَمَّدًا»، یعنی من دشمن او هستم. پس خداوند بر پیامبر خود صلی‌الله‌علیه‌وآله سوره‌ی کوثر را نازل کرد، تا آنجا که فرمود: «إِنَّ شَأْنَكَ»، یعنی دشمن تو، عمرو بن عاص، بدون شک «أبتر» است؛ بدین معنا که بی‌دین است و بی‌تبار خواهد بود».

۲۷. در برخی روایات امیر مؤمنان علیه‌السلام معنای «کوثر» را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله جویا شده‌اند (نک: بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۷۷۲).

۲۸. «... امام علیه‌السلام فرمودند سبب نزول و تکرار آن بدین جهت است که برخی از قریش به حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله گفتند: تو خدایان ما را یک سال عبادت کن، ما نیز خدای تو را یک سال عبادت می‌کنیم. دیگر بار، تو خدایان ما را یک سال عبادت کن، ما نیز خدای تو را یک سال دیگر عبادت می‌کنیم. پس خداوند نیز به‌مانند گفتار آنان پاسخشان داد. درباره‌ی اینکه گفتند تو خدایان ما را یک سال عبادت می‌کنی، فرمود: «لَا أُعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» و درباره‌ی اینکه گفتند ما خدای تو را یک سال عبادت می‌کنیم فرمود: «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ». دیگر بار در پاسخ به اینکه گفتند تو خدایان ما را یک سال عبادت می‌کنی، فرمود: «وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ» و درباره‌ی این گفته‌ی آنان که ما نیز خدای تو را یک سال دیگر عبادت می‌کنیم، چنین فرمود: «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ؛ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ...».

۲۹. منظور، فهم آیه در کاربرد خاص آن است.

۳۰. «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی علی علیه السلام چنین فرمود: «هرکس من مولای او هستم پس این علی مولای اوست». نعمان بن منذر فهری برخاست و چنین گفت: آیا آنچه گفتم از سوی خودت بود یا پروردگارت تو را بدان امر کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نه، بلکه پروردگارم مرا بدان امر کرد. پس نعمان گفت: خدایا بر ما سنگی از آسمان نازل کن. پس به محض رفتن سنگی به سراغش آمد و او را خون گرفت و کشته بیفتاد. آنگاه خدای تبارک و تعالی چنین نازل فرمود: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (المعراج / ۱)».

۳۱. مراد از «عالمان قرآن»، به معنای اخص آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام است.

۳۲. «امام صادق علیه السلام فرمودند: کتاب خداوند عزوجل بر چهار گونه است: بر عبارت و اشارت و لطایف و حقایق؛ اما عبارت‌ها برای عوام است و اشاره‌ها برای خواص، و لطایف برای اولیا، و حقایق آن برای انبیا علیه السلام».

۳۳. چنین معانی آیات که در فضاها و کاربردهای دیگر، قابل تفسیر و کشف‌اند، «تأویل» آیات محسوب می‌شوند و دلیلی دیگر بر وجود سطوح معنایی در قرآن کریم‌اند.

۳۴. دلالت آیات قرآن در فضاها و خطابه‌های دیگر، «تأویل»‌های بی‌پایان قرآن کریم خواهد بود.

۳۵. این ویژگی کلام‌الله مجید که تنها به مخاطبان خاص فضای نزول محدود نمی‌شود بلکه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، عموم مردمان را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنها را در فضاها و گوناگون بر معناها بسیار دلالت می‌کند، از وجوه خاص کلام‌الله مجید است که به «تأویل» نام‌بردار گشته است.

۳۶. به نظر می‌رسد معنای آیه‌ی «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ...» (النحل / ۶۶) در این رابطه باشد.

۳۷. «... قتاده فرزند دعامة خدمت امام باقر علیه السلام شرف‌یاب شد. حضرت به او فرمودند: ای قتاده تو فقیه اهل بصره هستی؟! عرض کرد: چنین می‌پندارند. امام باقر علیه السلام فرمودند: به من خبر رسیده که تو قرآن تفسیر میکنی! قتاده گفت: آری. امام باقر علیه السلام فرمودند: براساس علم تفسیر میکنی یا به جهل؟ قتاده گفت: نه، به علم. امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر براساس علم تفسیر می‌کنی، پس تو آن هستی که می‌گویی و من از تو می‌پرسم. قتاده گفت: بپرسید؟ ... امام باقر علیه السلام فرمودند: وای بر تو ای قتاده قرآن را تنها آن کسی می‌فهمد که به او خطاب شده است».

## کتاب‌نامه

علاوه بر قرآن کریم؛

ابن بابویه، محمد بن علی؛ (۱۳۹۸ق)، التوحید، محقق: هاشم حسینی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.

## گونه‌شناسی «مخاطبان» قرآن ... (محمدرضا شاهرودی و محمدتقی کبریتچی) ۱۲۷

- ابن درید، محمدبن حسن؛ (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن فارس، احمد؛ (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- استرآبادی، محمدامین؛ (۱۴۲۴ق)، *الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة*، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ایزوتسو، توشی هیکو؛ (۱۳۹۶ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه‌ی احمد آرام، چاپ یازدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة.
- پاکتچی، احمد؛ (۱۳۸۷ش)، «مطالعه معنا در سنت اسلامی»، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۱۳، صص ۱۲۱-۱۵۵.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ (۱۴۲۳ق)، *الفوائد الطوسیة*، چاپ دوم، قم: مکتبه المحلاتی.
- خویی، سید ابوالقاسم؛ (بی تا)، *البيان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- داغر، امید؛ امین ناجی، محمدهادی؛ (۱۳۹۹ش)، «مخاطبان قرآن در گذر زمان»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره هفده، صص ۳۱-۵۱.
- راجانی، کمیل؛ مؤدب، سیدرضا؛ (۱۳۹۷ش)، «بررسی تحلیلی حدیث انما يعرف القرآن من خوطب به»، کتاب قیّم، شماره ۱۸، صص ۳۳۹-۳۶۳.
- زبیدی، محمد بن محمد؛ (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- شاهسوندی، شهره؛ خانه‌زاد، امید؛ (۱۳۹۱ش)، «زبان‌شناسی خطاب در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۰، صص ۸۲-۹۸.
- شریفی، مهین؛ (۱۳۹۰ش)، *آیین خطاب و گفتگو در قرآن*، چاپ اول، تهران: نشر خورشید باران.
- صفار، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، تحقیق: محسن کوچه باغی، چاپ دوم، قم: مکتبه آية الله المرعشی النجفی.
- صفوی، کورش؛ (۱۳۹۴ش)، *معنی‌شناسی کاربردی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات همشهری.
- طریحی، فخرالدین بن محمد؛ (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن؛ (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.

- فتاحی زاده، فتحیه؛ ذاکری، مرضیه؛ بخشعلی سلطان، حسین؛ (۱۳۹۵ش)؛ «تبیین تحلیل رابطه متن و مخاطب در پیام‌های قرآن»، کتاب *قیم*، شماره ۱۵، صص ۴۹-۷۲.
- فقهی زاده، عبدالهادی؛ (۱۳۹۱ش)، *درآمدی بر تفسیر قرآن کریم*، چاپ اول، تهران: نشر تلاوت.
- فلاحی قمی، محمد؛ (۱۳۹۰ش)، «خطاب و مخاطب در قرآن»، *بینات*، شماره ۷۰، صص ۴۲-۵۸.
- فیومی، احمد بن محمد؛ (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر*، چاپ دوم، قم: موسسه دار الهجره.
- قائم‌نیا، علیرضا؛ (۱۳۹۳ش)، *بیولوژی نص*، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم؛ (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، قم: دارالکتاب.
- کبریت چی، محمدتقی؛ شاهرودی، محمدرضا؛ (۱۴۰۰ش)، «بازخوانی «دلالت زبانی» در فهم و تفسیر کتاب و سنت»، *فلسفه و کلام اسلامی*، سال پنجاه و چهارم، شماره اول، صص ۱۲۱-۱۴۵.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ (۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة
- مجلسی، محمد باقر؛ (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- میرزای اصفهانی، مهدی؛ (۴۳۸ق)، *القران و الفرقان فی وجه اعجاز القرآن المجید*، چاپ اول، قم: نشر معارف اهل البيت علیهم السلام